

این گفتگو با یکی از روانپزشکان برجسته داخل کشور انجام شده است

احمدی نژاد

بیماری که خود از روانپزشی خویش بی خبر است

شمار رو به افزایش امام زمان ها

در تیمارستان روزبه تهران

- من در مورد آقای احمدی نژاد نمی توانم بطور قاطع اظهار نظر کنم. يك سرى علايم و نشانه هايی در سخنان و رفتارهای ایشان وجود دارد که بسیار مشابه و مشترك با نوعی از بیماران است که در اصطلاح روانپزشکی زیر دسته بیماران پسیکوز مانیاک دپرسیو و یا بیماران پسیکوز اسکیزوافکتیو جای می گیرند.

اگر بخواهم نظر خود را دقیق تر توضیح دهم در روانپزشکی، بیماران بطور کلی به دو گروه پسیکوتیک و نوروتیک تقسیم می شوند:

دسته نخست یعنی پسیکوتیک ها بیمارانی هستند که رابطه آنها با واقعیت قطع می شود. یعنی بیمار تفاوت اندیشه و سخن خود را با واقعیت موجود درک نمی کند. مثلا بیمار مدعی میشود صداهایی به او میگویند که کسی می خواهد او را بکشد یا مسموم کند که در فارسی به آن می گویند هذیان.

دسته دوم بیماران نوروتیک یعنی آنهایی هستند که بیمار خود می داند که اختلالاتی در او ایجاد شده و اندیشه هایش با واقعیت تطبیق ندارد. تشخیص این دو بیماری از هم را در زبان انگلیسی "ریالتی تستینگ" می گویند که به فارسی می توان آن را "واقع آزمایی" مثلا نام داد. بعبارت دیگر در مریض پسیکوتیک این ریالتی تستینگ مختل است یعنی تفاوت میان هذیانش و واقعیت را نمیداند.

اما خود پسیکوزها هم انواع و اقسام دارند و تشخیص نوع آن با ارزیابی چند جمله ممکن نیست. در واقع برای تشخیص دقیق این بیماری پزشک نیازمند يك سلسله اطلاعات است و قبل از هرچیز آنچه در زبان های فرنگی به آن "مد دو فونکسیونمان" می گویند، یا بعبارت دیگر روش و منش زندگی. مثلا در بعضی انواع پسیکوز که جنون مانیاک و دپرسیو به آن گفته می شود اینگونه بیماران دچار گوشه نشینی و کنار کشیدن از اجتماع نیستند. بلکه

دچار پر خوری یا کم خوابی یا فعالیت زیاد هستند اما فعالیت زیاد کم بهره و بی هدف.

غالب اینان دچار نوعی از هذیان هستند که به آن هذیان "گراندیوزیتی" می گویند که میتوان آن را در فارسی "بزرگ منشی" یا "جنون عظمت" عنوان کرد.... اینگونه بیماران چیز خاصی در خود می بیند که فکر می کند در او هست و در دیگران نیست. يك عامل برتری در خود می بیند. کسی می گوید من امام زمانم، یا شاه هستم، یا ناپلئونم یا بهترین پزشك جهان هستم. البته نوع ادعا به زمینه فرهنگی اجتماعی مریض بستگی دارد. یعنی نوع هذیان، نوع ادعاها تحت تاثیر جامعه و زمینه فرهنگی و اجتماعی قرار دارد، که بیمار پسکوز در آن پرورش یافته. مثلا در انگلیس و امریکا اینگونه بیماران بالطبع خود را امام دوازدهم شیعیان ایران نمی دانند، بلکه مثلا خود را در قالب "مسیح" می پندارند که برای نجات بشریت رستخیز کرده است.

این که آقای احمدی نژاد میگوید که مثلا در سازمان ملل هاله نورانی دور سر او بوده میتوان آن را يك نمونه هذیان "بزرگ منشی" و همان "جنون عظمت" دانست. زیرا در مورد دیگرانی که این ادعا شده، مثلا در مورد امامان یا قدیسن همیشه دیگران در مورد آنها این را گفته اند نه خود آنها. منظورم این است که هیچ پیامبر یا قدیسی خودش ادعا نکرده که مثلا هاله نورانی دور سر او بوده، بلکه دیگران بعدها چنین ادعایی را در مورد او کرده اند. حالا درست و نادرستش بحث دیگر است....

من اگر فرض را بر این بگذارم که سخنان و رفتارهای آقای احمدی نژاد جنبه سیاسی و ظاهر سازی و مردم فریبی ندارد و او به حرفهایی که میزند واقعا معتقد است و مثلا اعتقاد دارد دور سرش هاله نورانی بوده است یا امام زمان حامی اوست و او را فرستاده تا مقدمات ظهور آن امام را فراهم کند، یا وظیفه تشکیل دولت اسلامی بر دوش او گذاشته شده و ... متاسفانه باید بگویم نمیتوانم کمترین تردیدی در بیماری ایشان داشته باشم، زیرا در عمر حرفه ای خودم مشابه اینگونه افراد و اینگونه ادعاها را زیاد دیده و شنیده ام. بگذریم از این که شاه هم اگر یادتان باشد در کتاب "ماموریت برای وطن" مدعی شده بود حضرت عباس او را از مرگ نجات داده و موقع سقوط از اسب او را در هوا گرفته است!

اما در این مرحله و با اطلاعاتی که در اختیار دارم تشخیص اینکه بیماری او دقیقا چیست کار دشواریست و مستلزم معاینه دقیق ایشان و داشتن يك سلسله اطلاعات راجع به گذشته، محیط خانوادگی و تحصیلی، رفتارهای دوران کودکی، نحوه ورود وی به دانشگاه، محیط و روش کار فعلی او مثلا در دانشگاه و میزان جدی و هدفمند بودن آن و غیره است که من به این اطلاعات دسترس ندارم....

همانطور که گفتم برخی نشانه ها در مورد ایشان وجود دارد. مثلا در زندگینامه رسمی وی نوشته که دانشجویی عمران بوده و بعد رفته دکترای ترافیک گرفته و از آنطرف موسس انجمن تونل بوده و یا ابلاغ کرده که همه جا باید نام او بعنوان **دکتر احمدی نژاد** اعلام شود. یا بازدیدهای سرزده ای که می گویند از وزارتخانه ها انجام می دهد که معلوم نیست هدف از آن چیست و بازدید سرزده رییس جمهور از يك وزارتخانه اصلا یعنی چه. یا مثلا شنیده ام که **پنج صبح** جلسه می گذارد و دائم بی هدف به این طرف و آن طرف می رود که نشاندهنده ناتوانی وی در ایجاد **تمرکز ذهنیست**.

یکی دیگر از علایم ایشان اینجاست که اینگونه بیماران غالبا از مصاحبه های پزشکی می گریزند. زیرا در مصاحبه پزشکی پس از چند سوال معلوم میشود که فرد تا چه اندازه بقول معروف پایش در زمین است و با واقعیت ارتباط دارد. در بسیاری از موارد هم ما بعنوان پزشک می دانیم که اینگونه بیماران اگر بگویند مثلا ماست سیاه است باید تایید کرد تا بتوان به مصاحبه ادامه داد و در غیر اینصورت با شما درگیر می شوند. من در یکی دو مصاحبه سیاسی که با آقای احمدی نژاد تا به امروز شده دقت کرده ام و معتقدم ایشان توان **مصاحبه** واقعی را ندارد؛ یعنی اصولا توان حضور در جمعی که عقاید ایشان را نفی می کند ندارد. بنظر من این یکی دیگر از نشانه هایی است که بیماری ایشان را تایید می کند. البته مصاحبه پزشکی که من در ابتدا گفتم با مصاحبه خبرنگاری سیاسی متفاوت است. ولی يك چیز در آنها مشترك است که در هر دو حالت فرد در شرایطی قرار می گیرد که عیار سخنانش سنجیده می شود که تا چه اندازه در عالم منطقی سیر می کند و تا چه اندازه در عالم اوهام به سر می برد. بنظر من ایشان بدشواری توان شرکت و حضور در مجمع یا جلسه ای را دارد که در آن کسانی روبروی عقاید و

نظراتش قرار گیرند. مثلا، شما نگاه کنید به نحوه برخورد ایشان به انتقادات آقای خاتمی. این ضمنا ناشی از همان جنون بزرگ منشی یا عظمت طلبی شخصی است که به آن اشاره کردم که فرد توان تحمل انتقاد را ندارد....

اینکه آقای احمدی نژاد علایم برخی بیماری های روان پریشی را دارد به معنای آن نیست که وی کم عقل است یا دچار "عقب ماندگی ذهنی" است. وی کسی است که تحصیل کرده، در دانشگاه قبول شده و این نشان می دهد که وی دچار عقب ماندگی ذهنی نبوده است. ولی جنون بزرگ منشی در میان تحصیلکردگان هم دیده می شود که غالبا بدلیلی خود را برتر از دیگران می دانند. ضمن اینکه شروع این بیماری در مردان معمولا در دهه بیست تا سی یعنی پس از دوران تحصیلات دبیرستانی و ورود به دانشگاه است.

نوع رفتارهای آقای احمدی نژاد با بیماران اسکیزوفرنی متفاوت است. و من با اطلاعات فعلی خود معتقدم که ایشان احتمالا یا جنون مانیک دپرسیو دارد یا یک بیماری که به آن اسکیزوافکتیو می گویند. که مخلوطی است از اسکیزوفرنی و اختلالات خلق و خوئی یا همان افکتیو، که علایمش دقیقا همان چیزهایی است که در مورد ایشان می گویند که ناگهان عصبانی می شود، به هم میریزد، فحش میدهد، قاطی می کند یا در جلسات دولت فریاد می کشد که این نشان می دهد ایشان رفتار هدفمند ندارد.

ادعاهای ایشان در مورد امام زمان و رابطه ای که بتدریج سعی می کند میان خودش و آن امام برقرار کند بویژه برای من خیلی جالب توجه است. بنظر من این افکار از گذشته در او وجود داشته و اکنون دارد آن را علنی می کند. اگر شرایط و اوضاع احوال برای او مساعد پیش رود من تردید ندارم که خود را بزودی فرستاده امام زمان، نایب امام زمان و چه بسا خود امام زمان معرفی کند. بد نیست بدانید که مثلا در **بیمارستان روزبه** تهران ما همیشه **تعداد بسیار زیادی امام زمان** داشته ایم. چند شاه و یکی دوتا ناپلئون هم انجا بودند. نکته جالب برای دانشجویان تازه وارد همین عده کثیر امام زمان ها بود که آنان را متعجب می کرد. ما همیشه برای دانشجویان توضیح می دادیم که دلیل کثرت امام زمان ها در تیمارستان های ایران همانطور که گفتم در اینجاست که هر چند منشا این

بیماری‌ها اختلالات فیزیکی است، اما نحوه بروز آن جنبه فرهنگی اجتماعی دارد. یعنی همان جنون بزرگ منشی یا عظمت در اینگونه بیماران که خود را بنوعی منجی جامعه و دیگران می دانند، در جامعه ایران با زمینه فرهنگی و مذهبی که دارد گرایش اینگونه بیماران به اینکه خود را امام زمان یا برگزیده یا فرستاده او بشمارند بالطبع وسیعتر و پرشمارتر است.